

فهرست مطالب

درس ۹
پادداشت ها ۵۵

اوزن یونسکو

استاد ۶۹
پادداشت ها ۸۲

نمایشگاه خودرو ۸۱
پادداشت ها ۹۷

و

نمایشگاه خودرو



کتابخانه ملی و اسنادخانه

موسسه عالی کتابخانه و اسناد ایران

پشتانپور تهران

رساله شماره ۱۰۰۹

علی باش

روایتی از زندگی استاد علی باش

تعداد صفحات ۱۰۰۹

مجموعه شماره ۱۰۰۹ - شماره ۱۰۰۹

تعداد صفحات ۱۰۰۹

مجموعه شماره ۱۰۰۹ - شماره ۱۰۰۹

ISBN 978-964-00-0000-0

تعداد صفحات ۱۰۰۹ - شماره ۱۰۰۹

مجموعه شماره ۱۰۰۹ - شماره ۱۰۰۹

فهرست مطالب

۹	درس
۵۵	یادداشت ها
۶۹	استاد
۸۴	یادداشت ها
۸۹	نمایشگاه خودرو
۹۷	یادداشت ها

اوژن یونسکو

اوژن یونسکو در نوامبر سال ۱۹۰۹، پنج سال پیش از شروع جنگ جهانی اول در شهر سلاتینای رومانی چشم به جهان گشود. پدرش اهل رومانی و مادرش فرانسوی بود. کانون این خانواده به هیچ وجه گرم و صمیمانه نبود. در سال ۱۹۱۷ پدر اوژن یونسکو که به تنهایی به رومانی باز گشته بود، غیباً همسرش را طلاق می دهد. او که مردی خشن و فرصت طلب بود به محض شکست رومانی به همکاری با آلمان ها می پردازد. اوژن دائم با پدرش درگیر بوده و به همین خاطر از پدرش جدا و نزد عمه هایش زندگی می کرد. او در سال ۱۹۲۹ موفق به کسب لیسانس زبان فرانسه از دانشکده ادبیات بخارست می گردد. از سال ۱۹۳۰ دوران طلایی فعالیت ادبی خود را در مجلات مترقی و ضدفاشیست آغاز می کند و شاهد به قدرت رسیدن گارد آهنین، جنبش فاشیستی در رومانی و همکاری پدرش با آن است. در سال ۱۹۳۶ او با رودیکا بوریلونو ازدواج می کند و در همین سال مادرش چشم از جهان فرو می بندد. مرگ مادر ضربه سختی بر او بود و فراقش هرگز اوژن را ترک نکرد. سرانجام در سال ۱۹۴۲ او برای همیشه به فرانسه مهاجرت می کند و به دلیل اشغال پاریس توسط نیروهای آلمانی در مارتی سکنا می گیرند. در سال ۱۹۴۴ ارتش سرخ به رومانی حمله می کند و پدرش مانند تمامی سیاستمداران فرصت طلب این بار کمونیست می گردد. وی در سال ۱۹۴۸ فوت می کند. دوران پس از جنگ برای بسیاری از

اروپاییان از جمله برای خانواده اوزن یونسکو، دوران سختی بود. او برای امرار معاش دست به هر کاری می زد. در سال ۱۹۵۰ آواز خوان طاس را می نویسد که در سال ۱۹۵۷ در تئاتر نوکتامبول به روی صحنه می رود. از همین سال طوفان تئاتر پوچی نخست سراسر فرانسه و سپس تئاتر اروپا و جهان را درمی نوردد.

یونسکو محصول نیمه نخست و ویرانگر قرن بیستم، دوران شکل گیری حکومت های توتالیتیر بود. از آغاز نیمه دوم قرن، هر چند هرگز یک مبارز نبود، خود میوه هایی به بار آورد که مبارزه ای بی امان در قالب هنر تئاتر با همین حکومت ها و اندیشه ها بودند. او در سال ۱۹۹۴ در کنار همسر و دخترش در شهر پاریس چشم از جهان فرو بست. او را با مراسم کلیسای ارتدکس در گورستان مونپارناس به خاک سپردند.

درس درام نمایشی

شخصیت ها

استاد، پنجاه یا شصت ساله

شاگرد جوان، هجده ساله

خدمتکار، چهل و پنج یا پنجاه ساله

بازیگران

مارسل کاولیه^۱

روزت زوشلی^۲

کلود مانسار^۳

نمایشنامه "درس" برای نخستین بار در ۲۰ فوریه ۱۹۵۱ در تئاتر پوش به

روی صحنه رفت.

کارگردان این نمایش مارسل کاولیه بود.

صحنه آرایبی

اتاق کار استاد پیر که برای ناهار خوری نیز استفاده می‌شود.

سمت چپ صحنه دری به روی پلکان ساختمان و سمت راست و انتهای صحنه در دیگری به راهروی آپارتمان باز می‌شود.

در انتها و کمی متمایل به چپ صحنه پنجره ای نه چندان بزرگ با پرده هایی ساده و بر لبه بیرونی پنجره گلدان های گل به چشم می‌خورند.

در دور دست باید خانه هایی پست با شیروانی‌های قرمز شهری کوچک با آسمانی خاکستری دیده شود. در سمت راست صحنه یک بوفه روستایی قرار دارد. میز معمولی در وسط صحنه قرار دارد که به عنوان میز تحریر نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. سه صندلی دور میز و دو صندلی دیگر در دو سوی پنجره؛ کاغذ دیواری روشن و چند قفسه کتاب نیز دیده می‌شود.

با بالا رفتن پرده صحنه خالی است. مدتی به همین صورت خالی می‌ماند. سپس صدای زنگ در به گوش می‌رسد. صدای خدمتکار از گوشه صحنه به گوش می‌رسد؛ بله، همین الان.

به دنبال آن خدمتکار به سرعت از پله‌ها پایین آمده و پدیدار می‌شود. زنی قوی، حدوداً چهل و پنج یا پنجاه ساله، سرخ رو با آرایشی روستایی.

خدمتکار به سرعت وارد و در سمت راست پشت سرش با صدا بسته می‌شود. دست‌هایش را با پیش‌بندش خشک می‌کند و دوان دوان به سمت در سمت چپ می‌رود. در همین حین

صدای دومین زنگ در به گوش می‌رسد.

1 - Marcel Cuvelier

2 - Rosette Zuchelli

3 - Claude Mansard